


نوع مقاله: ترویجی


بررسی فضایل معرفتی از منظر معرفت‌شناسان فضیلت‌گرا

کلیه علیرضا ثابتی پور / دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

alirsp@gmail.com  orcid.org/0009-0002-0086-9403
mmrezaee4@gmail.com

مرتضی رضایی / دانشیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

چکیده

فضایل معرفتی محور مباحث معرفت‌شناسی فضیلت است که رویکردی معاصر در معرفت‌شناسی و متأثر از احیای اخلاق فضیلت‌گرا در غرب است. این رویکرد در پاسخ به مشکلات معرفت‌شناسی به جای تمرکز بر ارزیابی معرفتی باور به ارزیابی معرفتی فاعل شناسا می‌پردازد. با توجه به ظرفیت فضایل معرفتی در کسب معرفت و موجه‌سازی باورها در معرفت‌شناسی معاصر، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی آن پرداختیم. اختلاف در تبیین فضایل معرفتی به قوای شناختی یا صفات شخصیتی، این رویکرد را به ترتیب به دو گروه اعتمادگرا و مسئولیت‌گرا تقسیم می‌کند. حکمت نظری و عملی مهم‌ترین فضیلت معرفتی است که ارسطو مطرح می‌کند. لورین کد، مسئولیت معرفتی را فضیلت پایه می‌داند. سوسا، گلدمن و گرکو نگاهی قوم‌محور دارند و قوای حسی، استدلال، ادراک، درون‌نگری و حافظه را از مصادیق فضایل معرفتی می‌دانند. زگربسکی عشق به حقیقت را انگیزه بنیادین فضایل معرفتی می‌داند. بانر یک مدل چهاربعدی برای فضایل معرفتی و نه فضیلت کلیدی در یادگیری مطرح می‌کند. بر فضیلت‌گرایی اشکالاتی وارد است؛ ولی به‌عنوان نگاهی مکمل در معرفت‌شناسی بخصوص معرفت‌شناسی دینی مفید است.

کلیدواژه‌ها: معرفت‌شناسی فضیلت، فضایل معرفتی، فضایل عقلی، معرفت، فضیلت، جیسون بانر.

مقدمه

فضایل معرفتی بود. محوریت فضایل معرفتی در این نظریه چنان است که *لیندا زگربسکی* از رهبران این مکتب در کتاب *فضایل ذهن* خود در تعریف معرفت می‌گوید: «معرفت، یک حالت ارتباط شناختی با واقعیت است که برآمده از فعالیت‌های فضیلت عقلی است». او باوری را که در نتیجه به‌کارگیری فضایل معرفتی است را لزوماً صادق می‌داند (زگربسکی، ۱۹۹۶، ص ۲۷۰-۲۷۱).

در مکاتب فضیلت‌گرا، هم فضایل و هم رذایل را مؤثر در اندیشه یا عمل می‌دانند. رذایل معرفتی در مقابل فضایل معرفتی قرار دارند؛ مثلاً در مقابل فضیلت توجه، نادیده‌انگاری و غفلت است. البته می‌توان بر طبق دیدگاه *ارسطو* در نظریه حدوسط بودن فضیلت پیش رفت و دو طرف افراط و تفریط را رذیله دانست؛ یعنی مقابل هر فضیلتی دو رذیله وجود دارد (برای توضیح بیشتر، ر.ک: خزاعی، ۱۳۸۹، ص ۷۴). عموماً تنها از فضایل صحبت می‌شود و رذایل، براساس نوع تقابل پذیرفته شده با فضایل، در نظر گرفته می‌شود. لذا ما هم در این مقاله تنها به بیان و بررسی فضایل می‌پردازیم.

در مورد پیشینه پژوهش، تنها کتاب تألیفی فارسی مرتبط با فضایل معرفتی، کتاب *معرفت‌شناسی فضیلت* (خزاعی، ۱۳۹۴) است. ایشان در حیطه نظریه فضیلت در اخلاق و معرفت‌شناسی آثار متعددی دارند. کتاب *معرفت‌شناسی فضیلت*، غالباً بر محور نظریات زگربسکی نوشته شده است؛ چراکه طبق بیان نویسنده، زگربسکی اولین شخصی است که توانسته یک نظریه معرفت‌شناسانه بر پایه نظریه فضیلت ایجاد کند (خزاعی، ۱۳۹۴، ص ۴۲). در دهه اخیر تعداد معدودی مقاله مستقیماً به بحث فضایل معرفتی پرداخته‌اند. مقالاتی همچون «فضیلت معرفتی، قوه اعتمادپذیر و ویژگی منشی: رویکردی تطبیقی» (خزاعی، ۱۳۹۷)؛ «فضایل معرفتی، شرط لازم حقیقت‌جویی و سازنده هویت عقلی» (همت‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷) و «ارزیابی باورهای دینی براساس فضیلت‌گرایی معرفتی» (جوادی‌پور، ۱۳۹۴) از این نمونه هستند.

براساس آنچه گذشت، با توجه به اهمیت فضایل معرفتی در تربیت انسان متفکر نقاد و ظرفیت فضایل معرفتی در کسب معرفت و موجه‌سازی باورها در معرفت‌شناسی معاصر از یک طرف و جدید بودن مبحث از طرف دیگر، لازم است تا بحث فضایل معرفتی و رویکرد معرفت‌شناسی فضیلت، مورد توجه بیشتری واقع شود. یکی از اشکالات

حقیقت‌جویی و کشف واقع، یک تمایل فطری و جهانی در بین انسان‌هاست. در این مسیر، بررسی امکان درک واقع، معیار صدق و نحوه ارزیابی گزاره‌ها و شیوه کسب معرفت به‌عنوان باور صادق از مسائل مهم است. این مسائل از دغدغه‌های دانشمندان معرفت‌شناسی است. در معرفت‌شناسی درون‌گرا، با توجه و تمرکز بر ویژگی‌های گزاره‌ها و عمدتاً در قالب میناگروی یا انسجام‌گرایی به راهکار و پاسخ به این سوالات و دفع شبهات شکاکیت پرداخته می‌شود.

شاید چنین پنداشته شود که با حل چنین مسائلی در قالب مثلاً میناگروی و پیروزی بر شکاکیت، کار تمام شده و مسیری آسان مهیا شده و انسان‌ها به آرزو و تمایل فطری خود خواهند رسید؛ ولی در عمل، بسیاری از افراد در مقیاس با ظرفیتی که در کسب معرفت دارند، باز از آن بی‌بهره‌اند؛ حتی افراد و جوامعی که میناگرا هستند. یکی از اشکالات معرفت‌شناسی سنتی، عدم توجه به فاعل شناسا و قوا و شخصیت‌شناختی اوست. به‌طور مثال، به اینکه روحیه‌های استقلال‌فکری، عدم تعصب، دقت عقلی و یا قوت قوای حسی یا عقلی، چه تأثیری در کسب معرفت صادق دارد، توجه نشده است. مسلماً فردی که تعصب و تقلید کورکورانه دارد، نسبت به فرد در شرایط مشابه بدون این ویژگی‌ها، کمتر نائل به معرفت می‌شود.

توجه به این نکته و اشکالاتی که بر نظریات مشهور توجیه معرفت‌شناسی گرفته شده و اختلافات میناگروی و انسجام‌گرایی، درون‌گرایی و برون‌گرایی باعث شد در چند دهه اخیر در بستر تجدید نظریه اخلاق فضیلت‌گرای *ارسطو* در فلسفه غرب، نظریه معرفت‌شناسی جدیدی به‌نام «معرفت‌شناسی فضیلت» شکل بگیرد. توجه این نظریه بیشتر بر منش و قوای شناختی فاعل است و ارزیابی فاعل را مهم‌تر و بنیادی‌تر از ارزیابی باور می‌داند و با مطرح کردن فضایل و رذایل معرفتی، کسب معرفت را براساس آن تبیین و ارزیابی می‌کند. توجه این نظریه به فاعل و روحیات او باعث شده که معرفت‌شناسی جنبه کاربردی بیشتری پیدا کند و تأثیرات در سیر آموزش و یادگیری به‌دنبال داشته باشد و مورد توجه قرار گیرد (ر.ک: بائر، ۲۰۱۵الف).

این نظریه معتقد است که همانند اخلاق فضیلت‌گرا که وجود فضایل اخلاقی مثل ملکه سخاوت منجر به فعل اخلاقی مانند بخشش بدون تکلف می‌شود؛ فضائل معرفتی (عقلی) نیز منجر به معرفت صادق می‌شود. لذا جهت کسب معرفت باید متصف به

اخلاق مدرن» برداشت. آنسکوم به نقد مکاتب فلسفه اخلاق معاصر خود می‌پردازد. طبق نظر وی، الزامات اخلاقی و مفاهیم اخلاقی مانند وظیفه، با تبیین درست و اعتقاد به یک مرجع قانون‌گذار معنا پیدا می‌کنند؛ درحالی که مکاتب اخلاقی معاصر مانند وظیفه‌گرایی و سودگرایی بدون اعتقاد به خداوند و یا عدم تبیین موجه مرجع قانون‌گذار، از این مفاهیم استفاده می‌کنند؛ در نتیجه مفاهیم اخلاقی در این گونه نظریات اخلاقی معنادار نیستند و صرفاً مفاهیم حقوقی هستند نه اخلاقی؛ درحالی که نظریات اخلاقی باید مبتنی بر مفاهیم اخلاقی باشد نه حقوقی. برای حل این مشکلات، آنسکوم رجوع به اخلاق ارسطویی که بر پایه فضایل است را مطرح می‌کند. در مکتب فضیلت‌گرایی سؤال اصلی به‌جای پرسش از فعل خوب، پرسش از شخص خوب است و بر طبق آن مفاهیم اخلاقی تبیین می‌شود (آنسکوم، ۱۹۵۸؛ خزاعی، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۷).

بعد از آنسکوم افراد دیگری مانند فیلیپا فوت و مک/این‌تایر کار او را دنبال کردند و نظریه‌های مختلفی با محوریت و تمرکز بر فاعل اخلاقی شکل گرفت؛ رویکردی در مقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی که بر محوریت عمل اخلاقی بودند. جالب اینکه چنین تغییر نگرشی در فلسفه اخلاق در حیطه‌های دیگر نیز تأثیرگذار بود و رویکردی مشابه آن را ایجاد کرد. از جمله در معرفت‌شناسی که ارزیابی فاعل محور در مقابل ارزیابی باورمحور در سنجش معرفت مطرح شد؛ رویکردی که مشابه با تغییر رویکرد در فلسفه اخلاق بود.

معرفت‌شناسی معاصر در غرب با مشکلات متعددی روبه‌رو بود. اشکال/دموند گتیه به تعریف مشهور معرفت یکی از مهم‌ترین آن موارد است. در توضیح آن؛ تعریف مشهور معرفت «باور صادق موجه» است. طبق این تعریف شرط تحقق معرفت سه چیز است: اول باور فرد به صادق بودن گزاره؛ دوم اینکه گزاره در واقع هم صادق باشد و سوم اینکه شخص برای ادعای صادق بودن باورش دلیل موجهی داشته باشد. این تعریف از زمان افلاطون مطرح بوده و فیلسوفان پس از او هم این سه شرط را لازم و کافی می‌دانستند. در سال ۱۹۶۳، گتیه در یک مقاله با عنوان «آیا باور صادق موجه، معرفت است؟» با ارائه دو مثال نقض، کافی بودن این شروط را رد کرد (ر.ک: گتیه، ۱۹۶۳). معضل ارزش مضاعف، نزاع میناگروی سنتی و انسجام‌گرایی و درون‌گرایی و برون‌گرایی از مشکلات دیگر بود.

تغییر رویکرد در حیطه معرفت‌شناسی به سمت فضیلت‌گرایی با

به‌نظریات فضیلت‌گرا ابهام در تعداد و مصادیق فضایل است. مقالات فارسی ارائه‌شده در معرفت‌شناسی فضیلت عموماً به تبیین نظریه معرفت‌شناسی فضیلت فیلسوفان غربی بخصوص از منظر زگزبسکی و احیاناً نقد آن پرداخته‌اند و کمتر به ذکر و بررسی مصادیق فضایل معرفتی پرداخته شده است؛ لذا جنبه نوآوری این پژوهش تمرکز بیشتر بر بیان مصادیق فضایل معرفتی و ارائه دیدگاه معرفت‌شناسان شاخص در این زمینه است؛ همچنین بیشتر به دیدگاه معرفت‌شناسان فضیلت‌گرای جدید، همچون جیسون بائر توجه شده است.

محور پژوهش در پاسخ به این سؤال اصلی است که: فضایل معرفتی از منظر معرفت‌شناسان فضیلت‌گرا کدام‌اند؟ در ضمن آن، به این سؤالات که مکتب معرفت‌شناسی فضیلت چیست؟ انواع این مکتب که مؤثر در تعیین مصادیق فضایل معرفتی هستند، کدام‌اند؟ پاسخ داده می‌شود.

در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مکتب معرفت‌شناسی فضیلت و فضایل معرفتی می‌پردازیم؛ ابتدا توضیحی پیرامون معرفت‌شناسی فضیلت آمده، و انواع آن بیان شده؛ سپس به فضایل معرفتی و مصادیق آن از دیدگاه دانشمندان فضیلت‌گرا بخصوص دیدگاه جیسون بائر، اشاره شده؛ در پایان نقدی مختصر در خصوص جایگاه فضایل معرفتی از منظر معرفت‌شناسان فضیلت‌گرا بیان می‌شود.

۱. معرفت‌شناسی فضیلت

معرفت‌شناسی فضیلت، رویکردی جدید و معاصر در معرفت‌شناسی است که تمرکز بر فاعل شناسا و فضایل معرفتی او دارد. به بیان دیگر، یک رویکرد عامل‌محور (agent-based) است نه صرفاً باورمحور (belief-based). به‌گونه‌ای از معرفت‌شناسی که بر ارزیابی معرفتی براساس فضایل معرفتی فاعل شناسا توجه دارد، نه صرفاً ارزیابی باور، معرفت‌شناسی فضیلت گفته می‌شود. در این نظریه، عنصر معرفتی اصلی، فضایل معرفتی هستند و به‌واسطه آن، وجود معرفت تبیین و توجیه می‌گردد؛ ولی در معرفت‌شناسی‌های تحلیلی، عنصر معرفتی اصلی، موجه‌سازی گزاره‌هاست (خزاعی، ۱۳۹۴، ص ۷).

معرفت‌شناسی فضیلت متأثر از چرخش و بازگشت دوباره به اخلاق فضیلت‌گرای ارسطویی در غرب و با الگوگیری از آن شکل گرفت. شاید بتوان گفت اولین قدم در بازگشت به اخلاق فضیلت ارسطویی را الیزابت آنسکوم در مقاله معروف، با عنوان «فلسفه

با توجه به اینکه تمرکز این پژوهش بر بررسی مصادیق فضایل معرفتی است، تقسیم براساس نوع تعریف و تبیین ماهیت فضایل معرفتی مهم و مورد توجه است؛ زیرا نحوه تبیین فضایل معرفتی در تعیین مصادیق آن، اثر مستقیم داشته است و ملاک‌های دیگر در بیان انواع معرفت‌شناسی فضیلت، تعیین‌کننده اختلاف در مصادیق نیست. تعریف و نوع نگرش متفاوت معرفت‌شناسان فضیلت‌گرا به فضائل معرفتی باعث شکاف در معرفت‌شناسی فضیلت شده است. بر طبق این ملاک، دو نوع عمده معرفت‌شناسی فضیلت وجود دارد: اعتمادگرایی فضیلت (Virtue Reliabilism) و مسئولیت‌گرایی فضیلت (Virtue Responsibilism).

۲-۱. اعتمادگرایی

اولین قدم‌ها در معرفت‌شناسی فضیلت توسط نظریه‌های اعتمادگرا برداشته شد. افرادی مانند سوسا، گلدمن و گرکو در این رویکرد قرار دارند. طبق نظر این گروه، فضایل معرفتی ویژگی‌های اعتمادپذیری هستند که با دارا بودن آن باور صادق کسب شده و از باور کاذب دور می‌شویم. در این رویکرد با اتخاذ مفهوم گسترده‌تری از فضیلت، آن را بر قوا و توانایی‌های دخیل در کسب معرفت اطلاق می‌کند. این رویکرد، فضایل معرفتی را توانایی‌ها و قوای معرفتی طبیعی همچون قوای حسی، درون‌نگری، حافظه و قوای عقلی استدلال‌کننده و همچنین مهارت‌های اکتسابی، نظیر تفکر انتقادی می‌داند. این فضایل را می‌توان فضایل قوه‌ای نامید؛ آنها عموماً به صورت فطری و از بدو تولد در وجود انسان قرار داده شده‌اند. طبق این دیدگاه، فضیلت بودن نیاز به داشتن انگیزه‌های نیک معرفتی مانند رسیدن به حقیقت ندارد؛ اگر این فضایل قوه‌ای در محیط و شرایط مناسب به کار گرفته شوند، به نحو اعتمادآور و اطمینان‌بخشی انسان را به صدق و حقیقت می‌رسانند (سوسا، ۱۹۹۱، ص ۱۳۸ و ۲۷۰-۲۷۱). معمولاً سوسا به عنوان نماینده این تفکر مطرح است.

۲-۲. مسئولیت‌گرایی

در مقابل دیدگاه قبلی، افرادی مانند کد، مونت مارکت، زگربسکی و بائر، با تقریر ارسطویی از فضائل، فضایل معرفتی را ملکات و ویژگی‌های شخصیتی معرفتی می‌داند؛ ویژگی‌هایی که همانند فضایل اخلاقی می‌باید با تلاش و همت زیاد کسب شود؛ لذا فاعل بر آنها

انگیزه حل معضلات رایج آن رخ داد. دانشمندان این عرصه، قائل بودند با توجه به فاعل شناسا و فضایل معرفتی او و ارائه معیاری جدید جهت ارزیابی معرفت می‌توان از اشکالات واردشده به مبنای گروهی یا انسجام‌گرایی رهایی یافت. قدم‌های اولیه در این زمینه توسط افرادی مانند آلون گلدمن و ارنست سوسا برداشته شد. ارنست سوسا در سال ۱۹۸۰ در مقاله «فایق (کلک) و هرم» در حل مشکلات معرفت‌شناسی از اصطلاح «فضایل عقلی» (Intellectual Virtue) استفاده کرد (سوسا، ۱۹۸۰، ص ۲۳).

بعد از سوسا، افراد دیگری همانند جان گرکو، لورن کد، جیمز مونت مارکت، لیندا زگربسکی، جیسون بائر، جانان ونویگ با ارائه تعریف جدید از مفاهیم معرفتی مثل شناخت و توجیه و تحلیل فرایند شناخت بر پایه فضایل عقلانی به حل مسائل معرفت‌شناسی و توسعه مباحث آن پرداختند.

۲. انواع معرفت‌شناسی فضیلت

با اینکه از عمر معرفت‌شناسی فضیلت بیش از چند دهه نمی‌گذرد؛ ولی دارای گستردگی و تنوع رویکرد در داخل این مکتب هستیم. تمامی رویکردهایی که ذیل معرفت‌شناسی فضیلت‌محور قرار می‌گیرند، در تمرکز بر ارزیابی فاعل براساس فضایل معرفتی او اشتراک نظر دارند و وجود فضایل معرفتی و به کارگیری آن را مؤثر در کسب باور صادق می‌دانند؛ ولی در تعریف و ماهیت فضایل و به تبع آن در مصادیق فضایل، نحوه تأثیر فضایل معرفتی در کسب معرفت، ارتباط فضایل معرفتی در حل مسائل معرفت‌شناسی سنتی، امکان نظریه‌پردازی براساس فضایل معرفتی و زوایای دیگر اختلاف نظر دارند. براساس این اختلافات، دسته‌بندی‌های مختلفی صورت گرفته است. به عنوان نمونه، هوک وی براساس توجه یا عدم توجه به پرسش‌های سنتی، به ترتیب سه دسته معرفت‌شناسی سنتی، پژوهشی و ترکیبی را رویکردهای مهم معرفت‌شناسی فضیلت می‌داند (ر.ک: هوکوی، ۲۰۰۳). جیسون بائر براساس کارایی فضایل معرفتی در حل مسائل معرفت‌شناسی سنتی یا عدم آن، تقسیم چهارگانه‌ای از معرفت‌شناسی مسئولیت‌گرا ارائه می‌دهد. او ابتدا به ترتیب دو رویکرد کلی «محافظه کارانه» (Conservative) و «خودمختار» (Autonomous) را مطرح می‌کند و سپس هر کدام را به قوی و ضعیف تقسیم می‌کند (ر.ک: بائر، ۲۰۱۱، ص ۱۲-۹).

مسئولیت‌گرایی به دیدگاه کد، مونت مارکت، زگزبسی و بائر اشاره می‌شود. بقیه معرفت‌شناسان در هر دو رویکرد نیز در تعیین مصادیق، نظر مشابه معرفت‌شناسان مذکور را ارائه کرده‌اند.

- ارسطو

نگاه اولیه به فضایل را می‌توان در آثار فلاسفه یونان باستان بخصوص ارسطو جست‌وجو کرد. ارسطو اخلاقی فضیلت‌گرا را مطرح می‌کند. ارسطو فضیلت را ملکه نفسانی که متناسب حالت حدوسط و اعتدال است، تعریف می‌کند. در بیان مصادیق فضایل، آنها را به دو دسته فضیلت اخلاقی و عقلی تقسیم می‌کند؛ چراکه نفس را دو جزء بی‌خرد و باخرد می‌داند. فضایل عقلی را فضیلت جزء با خرد عقل به حساب می‌آورد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین فضیلت عقلی که ارسطو مطرح می‌کند حکمت (Wisdom) است؛ حالتی که در آن عقل، درستی و حقیقت را درک می‌کند. ارسطو براساس تقسیم جزء با خرد به جزء عقل نظری که نظر به موجوداتی دارد که علل وجودشان تغییرناپذیرند و جزء عقل عملی که نظر به موجوداتی دارد که تغییرپذیرند، حکمت را به دو بخش حکمت نظری (Philosophic wisdom) و حکمت عملی (Practical wisdom) تقسیم می‌کند. اهمیت حکمت در بیان ارسطو چنان است که آن را پایه فضایل می‌داند؛ چراکه رسیدن به هدف نهایی یعنی خیر و سعادت (Eudaimonia) در گرو شناخت حقیقت، تشخیص معیار حد وسط، کسب فضایل و تشخیص و مطابقت و به کار بستن فضایل در امور جزئی و هماهنگی بین فضایل و قواست و این امور در صورت متصف بودن به حکمت نظری و عملی محقق می‌شود (ارسطو، ۱۳۷۸، کتاب ششم).

- ارنست سوسا

همان‌طور که گذشت، سوسا نگاهی قوام‌محور به فضایل عقلی دارد. دلیل او، برداشت خاصی است که او از تعریف فضایل دارد؛ او یک نگاه ابزاری و غایت‌گرایانه به فضیلت دارد. فضیلت معرفتی را ویژگی‌ها و توانایی‌هایی می‌داند که به نحو قابل اعتمادی انسان را در کسب صدق موفق کند. بر طبق این نگاه، قوای حسی مانند بینایی یک فضیلت معرفتی است؛ چراکه با وجود قوه بینایی و به‌کارگیری آن در شرایط مناسب (وجود نور کافی و...)، فرد به نحو قابل اعتمادی به معرفت حسی نائل می‌شود. شهود عقل‌گرا (Rationalist intuition)، استدلال

کنترل دارد و نسبت به کسب آنها مسئول و همچنین شایسته تحسین است (زگزبسی، ۱۹۹۶، ص ۱۰۲-۱۰۵). در این نگاه، صرف اعتمادپذیر بودن قوا و ویژگی‌های معرفتی در رسیدن به حقیقت، برای فضیلت دانستن آنها کفایت نمی‌کند؛ بلکه دغدغه کسب باور صادق و انگیزه‌های درست معرفتی هم از شرایط فضیلت محسوب شدن است. در این نگاه، ملکاتی از قبیل کنجکاوی، سعه صدر، دقت، شجاعت عقلی، استقلال فکری، انصاف، تواضع، صداقت را فضیلت‌هایی معرفتی می‌داند، که آنها را «فضایل شخصیتی» می‌نامند. معمولاً زگزبسی به‌عنوان نماینده این تفکر محسوب می‌شود.

۲-۳. فضایل معرفتی

فضایل معرفتی کلیدواژه اصلی معرفت‌شناسی فضیلت است که گاهی به نام فضایل عقلی یا فکری یا شناختی (Cognitive) و یا ذهنی نیز نامیده می‌شوند. همان‌طور که بیان شد، در تعریف و ماهیت فضایل اختلاف است؛ اعتمادگرایان آن را از جنس قوای طبیعی می‌دانند و از طرف دیگر بر طبق رویکرد مسئولیت‌گرایی، آنها مشابه فضایل اخلاقی، از جنس ملکات مرتبط با حوزه شناخت هستند که با آموزش و ممارست زیاد کسب شده‌اند. طبق هر دو دیدگاه، وجود فضایل معرفتی خطا را به حداقل می‌رساند و اگر این فضایل طبق شرایط مناسب به کار گرفته شود، فاعل شناسا را به صدق و باور منطبق بر واقعیت می‌رساند و موجه بودن و قابل اعتماد بودن باورها زمانی ایجاد می‌شود که ناشی از به‌کارگیری فضایل معرفتی باشد. همان‌طور که وجود فضایل اخلاقی در اکثریت افراد جامعه به ایجاد مدینه فاضله و رشد و تعالی فردی و جمعی در حیطه عمل کمک می‌کند، وجود و رشد فضایل معرفتی در افراد باعث اصابت بیشتر به واقعیت و کسب معرفت و رشد فکری می‌شود.

همانند اخلاق فضیلت‌گرا، در معرفت‌شناسی فضیلت‌محور نیز در مورد مصادیق فضایل معرفتی، تعداد آن و فضیلت‌محوری و پایه اختلاف وجود دارد. در ادامه، برخی از فضایل معرفتی مطرح شده توسط اندیشمندان فضیلت‌گرا بیان می‌شود.

ابتدا باید دیدگاه ارسطو به‌عنوان ریشه مباحث فضایل و مورد توجه معرفت‌شناسان فضیلت‌گرا، بیان شود. سپس معرفت‌شناسان شاخص در دو رویکرد معرفت‌شناسی فضیلت، معرفی شوند. از منظر اعتمادگرایی به دیدگاه سوسا، گل‌من و گرکو؛ و از منظر

به سن خاصی باشد (همان طور که خود/رسطو هم می گوید)؛ درحالی که مسئولیت معرفتی این گونه نیست. مثلاً کمتر رخ می دهد که یک فرد شانزده ساله عاقل را حکیم بگوئیم تا اینکه بخواهیم بگوئیم او دارای مسئولیت معرفتی است (کد، ۱۹۸۷، ص ۵۴).

- جان گرکو

او همانند سوسا فضایل عقلی را از جنس قوای شناختی می داند. قوایی که در فرایند کسب باور قابل اعتماد هستند. طبق نظر او این قوا می تواند ذاتی یا اکتسابی باشند. گرکو در تعیین مصادیق، به ادراک، حافظه قابل اعتماد و انواع استدلال خوب اشاره می کند (گرکو، ۲۰۰۲، ص ۲۸۷). در تفاوت دیدگاه با سوسا، او یک شرط انگیزشی هم اضافه می کند؛ یعنی قوای معرفتی که برانگیزاننده به سمت صدق و دوری از کذب هستند. این انگیزه و میل، طبیعی و غیراکتسابی است (گرکو، ۲۰۰۴، ص ۱۰۳).

- جیمز مونت مارکت

مونت مارکت نگاهی مسئولیت گرا دارد و فضایل معرفتی را صفات و ویژگی های شخصیتی می داند. او در نگاه تطبیقی با اخلاق فضیلت و توجه به فضیلت اصلی پیروی از وجدان اخلاقی، فضیلت معرفتی اصلی را «پیروی از وجدان معرفتی» معرفی می کند. او در توصیف این فضیلت، آن را تمایل رسیدن به اهداف عالی معرفتی بخصوص رسیدن به صدق و دوری از کذب می داند. این بیان مونت مارکت نزدیک به بیان کد در مسئولیت معرفتی است. البته مونت مارکت صرف وجود میل به حقیقت را برای فضیلت مندی کافی نمی داند؛ زیرا می تواند با جزم گرایی هم همراه باشد. از این رو او سه دسته فضیلت تعدیل و تنظیم کننده مطرح می کند؛ آنها عبارتند از: فضیلت های مرتبط با بی طرفی (Impartiality)، فضیلت های مرتبط با توجه عقلی (Intellectual Sobriety) و فضیلت های مرتبط با شجاعت عقلی (Intellectual Courage) (ر.ک: مونت مارکت، ۱۹۹۳، ص ۲۰-۲۳).

- لیندا زگزبسی

او فضایل عقلی را ملکات نفسانی و از جنس فضایل اخلاقی می داند. زگزبسی در کتاب *فضایل ذهن* که مهم ترین اثر وی به شمار می رود و شامل نظریه پردازی برای ایجاد یک معرفت شناسی بر پایه فضایل

عقل گرا (Rationalist deduction)، ادراک (Perception)، درون نگری (introspection) و حافظه (memory) از مصادیق دیگر فضایل معرفتی است که سوسا اشاره می کند (سوسا، ۱۹۹۱، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ همو، ۱۹۸۰، ص ۱۸). البته سوسا در برخی آثار جدیدتر، مواردی از ویژگی های شخصیتی را هم به عنوان فضایل عقلی کمکی بیان می کند (سوسا، ۲۰۱۵، ص ۶۹).

- آلوین گلدمن

رویکرد اصلی گلدمن وثاقت گرایی (Reliabilism) است که رویکردی برون گرا و مقدم بر معرفت شناسی فضیلت شکل گرفته است. او ابتدا نظریه تبیین علی معرفت را مطرح کرد و ارتباط علی بین شواهد و باور را تنها راه ایجاد معرفت مطرح کرد. سپس با تعدیل نظریه خود، ایجاد باور توسط یک فرایند قابل اعتماد را شرط حصول معرفت بیان کرد. گلدمن اعتماد گرایی فرایندی را راه حل مشکل گتیه و معضل ارزش می داند (گلدمن و آلسون، ۲۰۰۹، ص ۳۳-۳۵). گلدمن در ذیل بیان فرایندهای قابل اعتماد باورساز به فضایل عقلی در قالب قوای معرفتی قابل اعتماد اشاره می کند. با این نگاه می توان او را نزدیک یا جزء رویکرد اعتماد گرایی فضیلت دانست. او به فرایندهای ادراکی استاندارد، حافظه، استدلال خوب و درون نگری به عنوان قوای معرفت ساز اشاره می کند (گلدمن، ۱۹۹۲، ص ۱۱۳ و ۱۵۷-۱۵۸).

- لورین کد

لورین کد «مسئولیت معرفتی» (Epistemic Responsibility) را به عنوان فضیلت عقلی اصلی و پایه مطرح کرد. از نظر او وقتی انسان ها نسبت به کشف واقع احساس مسئولیت کنند، به دنبال کسب بقیه فضایل نیز خواهند رفت؛ لذا فضیلت اولیه مسئولیت معرفتی است. از نظر کد، انسان ها باید نسبت به کسب معرفت فعال و دغدغه مند باشند. لورین کد بیان می کند که بین مسئولیت معرفتی و حکمت، آن قدر ارتباط نزدیکی است که تقریباً قابل تعویض با هم هستند؛ چراکه شخصی که دارای حکمت است از نظر معرفتی هم برای خود مسئولیت قائل است و از طرف دیگر فرد مسئول معرفتی به دنبال کسب حکمت خواهد بود. البته لورین کد بین این دو فضیلت، مسئولیت معرفتی را فضیلت پایه محسوب می کند و سه دلیل برای آن می آورد؛ از جمله اینکه به نظر می رسد حکمت مناسب

معرفتی است، در تعریف فضیلت می‌گوید: «فضیلت یک مزیت اکتسابی عمیق و پایدار یک شخص است که شامل انگیزه‌های نهادین برای ایجاد یک هدف معین و مطلوب و موفقیت قابل اعتماد در رسیدن به آن هدف است» (زگزبسکی، ۱۹۹۶، ص ۱۳۷). او در بیان دقیق دیدگاه خود، معرفت را ناشی از اعمال یک یا بیش از یک فضیلت معرفتی می‌داند (زگزبسکی، ۲۰۰۸، ص ۱۲۷). زگزبسکی انگیزهٔ بنیادین و متمایز فضایل عقلی را «عشق به حقیقت» (Love of truth) یا «باوجدان بودن معرفتی» (Epistemic conscientiousness) می‌داند. سعهٔ صدر، دقیق‌بودن، ذهن باز، شجاعت فکری، ثبات قدم، مصمم‌بودن، فروتنی فکری، سخاوت معرفتی و خلاقیت فکری، از جمله فضایل معرفتی هستند که زگزبسکی ذکر می‌کند (زگزبسکی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰-۱۷۷).

– جیسون بائر

بائر همانند زگزبسکی فضایل عقلی را ویژگی‌های شخصیتی می‌داند و در زمرهٔ مسئولیت‌گرایان قرار دارد. او تأکید بر «ارزش شخصی» (personal worth) در فضایل معرفتی دارد؛ وجود فضایل معرفتی در شخص باعث ایجاد ارزش برای فرد و شایسته‌تسین بودن او می‌شود. بائر در کتاب *ذهن پژوهشگر* در تعریف فضایل عقلی می‌گوید: «فضیلت عقلی یک ویژگی شخصیتی است که به ارزش معرفتی شخصی دارندهٔ آن کمک می‌کند؛ به‌خاطر اینکه شامل یک جهت‌گیری روان‌شناختی مثبت به‌سمت اهداف معرفتی است» (بائر، ۲۰۱۱، ص ۱۰۲).

بائر در تبیین ویژگی فضایل معرفتی یک مدل چهاربعدی مطرح می‌کند. البته بائر می‌گوید که این چهار بعد برای تمامی فضایل شرط کافی یا لازم نیست؛ بلکه یک مدل نظری مفید و روشن‌کننده برای اغلب فضایل معرفتی است. چهار بعد عبارتند از: بعد انگیزشی، بعد عاطفی، بعد مهارتی، و بعد قضاوتی.

– بعد انگیزشی: فضایل معرفتی دارای عنصر انگیزه و عشق به اهداف معرفتی است؛ مانند عشق به حقیقت. اگر شخص در فرایند یادگیری خود، دقت عقلی و یا سخت‌کوشی داشته باشد؛ ولی این فعالیت جهت خودنمایی یا ترس از تنبیه باشد، این دقت و سخت‌کوشی فضیلت معرفتی محسوب نمی‌شود. بائر یک اصل انگیزشی برای فضیلت معرفتی بیان می‌کند: «یک سوژه S فقط در صورتی دارای فضیلت عقلی V است که داشتن S از V ریشه در

«عشق» به اهداف معرفتی داشته باشد» (بائر، ۲۰۱۵، ص ۸۷).
– بعد عاطفی: وقتی شخصی را دارای یک فضیلت می‌خوانند که از انجام کارهای ناشی از فضیلت لذت ببرد. مثلاً فردی، استقامت در یادگیری نشان می‌دهد؛ ولی از این حالت لذت نمی‌برد، یا کسل می‌شود؛ در این صورت نمی‌توان او را دارای فضیلت استقامت فکری دانست. بائر در این مورد به سخن ارسطو اشاره می‌کند که اگر فردی از بخشش کردن لذت نمی‌برد، او را سخاوتمند نمی‌خوانند. بائر برای این بعد اصل عاطفی را بیان می‌کند: «S فقط در صورتی دارای فضیلت فکری V است که S از فعالیت مشخصه V لذت ببرد (یا سایر محبت‌های مناسب را در رابطه با آن تجربه کند)» (همان، ص ۸۷).

– بعد مهارتی: طبق نظر بائر برای هر فضیلت معرفتی یک شکل فعالیت شناختی مختص به آن وجود دارد که آن را از بقیه فضایل متمایز می‌کند. مثلاً فضیلت ذهن باز (Open-mindedness) شامل کنار گذاشتن یک دیدگاه شناختی پیش‌فرض به‌منظور اتخاذ دیدگاهی جایگزین است؛ کنجکاوی شامل پرسیدن سؤالات متفکرانه و روشن‌گر و غیره است. اگر فردی انگیزهٔ رسیدن به معرفت را داشته باشد، ولی در پی‌گیری و فعالیت مرتبط با فضیلت ناتوان باشد؛ دارای آن فضیلت نیست. بائر در این راستا اصل مهارت را بیان می‌کند: «S فقط در صورتی دارای یک فضیلت فکری V است که S در فعالیت مختص V مهارت داشته باشد» (همان، ص ۹۱).

– بعد قضاوتی: گاهی اوقات فرد دارای اراده و مهارت مرتبط با یک فضیلت معرفتی است؛ ولی به دلیل عدم قضاوت صحیح در زمان و موقعیت مناسب برای اعمال فضیلت در عمل شکست می‌خورد؛ چون نمی‌داند کدام فضیلت را در یک موقعیت خاص به‌کار ببرد. آگاهی از اینکه کدام فضیلت باید در یک موقعیت خاص به‌کار گرفته شود، بعد قضاوتی فضیلت معرفتی است. بائر در اینجا اصل قضاوت را معرفی می‌کند: «S فقط در صورتی دارای فضیلت فکری V است که S آمادگی داشته باشد تشخیص دهد که چه زمانی (و به چه میزان و...) فعالیت مختص V، از نظر معرفتی مناسب خواهد بود» (همان، ص ۹۲).
به‌نظر می‌رسد بعد قضاوتی در شاکلهٔ فضایل معرفتی نباشد و امری خارجی و خود یک فضیلت جداگانه باید محسوب شود؛ فضیلتی اصلی که هماهنگی و به‌کارگیری مناسب فضایل را مدیریت می‌کند. این بیان، ذهن را متوجه فضیلت حکمت عملی می‌کند؛ جالب اینکه خود بائر در ادامه متن برای حمایت از اصل قضاوت، دو

جهت رعایت اختصار مقاله، تنها به تعریف *بائر* از ذهن باز اشاره می‌کنیم؛ *بائر* در کتاب *ذهن پژوهشگر*، در قالب یک فصل به بررسی فضیلت عقلی ذهن باز می‌پردازد و چهار مؤلفه برای آن بیان و تبیین می‌کند؛ او می‌گوید: «یک شخص دارای ذهن باز، این مشخصات را دارد: (الف) اراده یا (در حد خود) قادر است (ب) تا از یک دیدگاه شناختی پیش فرض فراتر رود (ج) به‌منظور پذیرفتن یا جدی گرفتن محسنات (د) یک دیدگاه شناختی متمایز» (بائر، ۲۰۱۱، ص ۱۵۲).

نقد و نتیجه‌گیری

۱. فضایل معرفتی، تأثیرگذار در کسب معرفت هستند. همانند تأثیری که برای ملکات اخلاقی در انجام فعل خیر و دوری از فعل شر قائل هستیم و امری پذیرفته شده است، می‌توان چنین جایگاهی برای فضایل معرفتی قائل شد؛ در نتیجه گرچه از دیدگاه ما، مبنای گروهی صحیح است؛ ولی نباید از نقش فاعل و روحیات او در کسب معرفت غافل شد.

۲. برخی از نظرات در معرفت‌شناسی فضیلت، باید نقد و بررسی و اصلاح شود؛ از جمله اینکه وجود و به‌کارگیری فضایل معرفتی با شرایط مطرح‌شده توسط اندیشمندان فضیلت‌گرا، حتماً مصیب به واقع و شرط لازم و کافی برای کسب معرفت است. فضایل معرفتی زمینه‌زندیکی به معرفت صواب را فراهم می‌کنند و احتمال خطا کمتر می‌شود؛ نه اینکه کار کسب معرفت تمام‌شده تلقی شود؛ بلکه نیاز به توجیه معرفت‌شناختی باورها هست. می‌توان فضایل معرفتی را علل معدّه (زمینه‌ساز) برای کسب معرفت بدانیم؛ و با یک تعریف عام‌تر بگوییم: فضیلت معرفتی عبارت است از: «آن فضیلتی که فاعل را به باور صادق نزدیک و از باور کاذب دور می‌کند».

۳. معرفت‌شناسی فضیلت با اصلاحاتی همانند آنچه در نکته قبل اشاره شد، می‌تواند نقش مکمل برای معرفت‌شناسی‌های دیگر بخصوص معرفت‌شناسی دینی را ایفا کند و با ادغام آنها ضمن رفع بسیاری از اشکالات، به یک نگاه نسبتاً جامع در معرفت‌شناسی دست یافت.

۴. معرفت‌شناسی فضیلت از جنبه کاربردی قوی‌تری برخوردار است و با ارتباطی که با شخص فاعل شناسا و روحیات و ملکات او دارد می‌تواند در عمل مفیدتر باشد؛ زیرا توجه به حالات فاعل دارد. این حالات و ملکات قابل پرورش و اصلاح در وجود انسان‌هاست و از طریق تمرین و آموزش می‌توان انسان‌های فضیلت‌مند از لحاظ عقلی تربیت کرد و با لحاظ ادعای معرفت‌شناسی فضیلت، انتظار

دلیل می‌آورد و در اولی این بعد را مرتبط با حکمت عملی می‌داند (ر.ک: بائر، ۲۰۱۵، ص ۹۳).

یکی از اشکالاتی که به مکاتب فضیلت‌گرا چه اخلاقی و چه معرفت‌شناسی گرفته می‌شود، ابهام در کم و کیف فضایل معرفتی است. از طرف دیگر همان‌طور که در بعد مهارتی گذشت، هر فضیلت معرفتی فعالیت مختص به‌خود را دارد که شاخصه و متمایزکننده آن، از بقیه فضایل است؛ با توجه به این دو نکته، تبیین فضایل معرفتی و بیان فعالیت مشخصه آن، ضروری است. یکی از افرادی که توجه به این نکته داشته، جیسون *بائر* است. او در مقالات و کتب خود به اجمال یا تفصیل در این‌باره صحبت می‌کند. او در قسمت دوم کتاب *پرورش ذهن‌های خوب* به همین نکته اشاره می‌کند و در حدود صد صفحه پیرامون تبیین نه فضیلت معرفتی کلیدی با ارائه فعالیت‌های مختصه و مثال‌های مختلف می‌پردازد (بائر، ۲۰۱۵، الف، ص ۱۵۷-۱۶۱).

جیسون *بائر* نه فضیلت معرفتی کلیدی را برای فرایند یادگیری معرفی می‌کند؛ آنها عبارتند از: کنجکاوی (Curiosity)، استقلال عقلی (Intellectual Autonomy)، فروتنی عقلی (Intellectual Humility)، توجه (Attentiveness)، دقت عقلی (Intellectual Carefulness)، جامع‌نگری عقلی (Intellectual Thoroughness)، ذهن باز، شجاعت عقلی (Intellectual Courage)، استقامت عقلی (Intellectual Tenacity). *بائر* با دسته‌بندی این نه فضیلت براساس فرایند یادگیری می‌گوید: «سه فضیلت اول برای شروع فرایند یادگیری و قرار دادن آن در مسیر درست، بسیار مهم هستند: کنجکاوی یادگیری را راه می‌اندازد؛ استقلال عقلی به شخص کمک می‌کند تا خودش فکر کند؛ و فروتنی عقلی به فرد کمک می‌کند محدودیت‌های تفکر خود را بشناسد (و بنابراین در صورت لزوم از دیگران استفاده کند). مجموعه دوم از فضایل، یادگیری را در مسیر خود حفظ می‌کند: فرد دارای توجه، حاضر و درگیر است؛ یادگیرنده دقیق از اشتباهات اجتناب می‌کند؛ و یادگیرنده جامع‌نگر به دنبال فهم عمیق و ایجاد آن در مقابل دانش سطحی است. سه فضیلت پایانی برای غلبه بر موانع یادگیری مفید است: ذهن باز به غلبه بر روش‌های بسته یا کوتاه‌اندیش کمک می‌کند؛ شجاعت عقلی با ترس از ریسک‌پذیری عقلی مقابله می‌کند؛ و استقامت عقلی با تمایل به تسلیم شدن قبل از به‌ثمر نشستن فرایند یادگیری مبارزه می‌کند» (همان، ص ۵۸).

منابع

- ارسطو، ۱۳۷۸، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.
- جوادیپور، غلامحسین، ۱۳۹۴، «ارزیابی باورهای دینی براساس فضیلت‌گرایی معرفتی»، *قیاسات*، دوره بیستم، ش ۷۶، ص ۱۱۲-۸۱.
- خزاعی، زهرا، ۱۳۸۹، *اخلاق فضیلت*، تهران، حکمت.
- ____، ۱۳۹۴، *معرفت‌شناسی فضیلت*، چ دوم، تهران، سمت.
- ____، ۱۳۹۷، «فضیلت معرفتی، قوه اعتمادپذیر و ویژگی منشی: رویکردی تطبیقی»، *فلسفه و کلام اسلامی*، سال پنجاه و یکم، ش ۱، ص ۴۱-۲۵.
- زگزبسی، لیندا، ۱۳۹۲، *معرفت‌شناسی*، ترجمه کاوه بهبهانی، تهران، نشر نی.
- همت‌زاده، حسین و دیگران، ۱۳۹۷، «فضایل معرفتی، شرط لازم حقیقت‌جویی و سازنده‌ی هویت عقلی»، *الهیات تطبیقی*، دوره نهم، ش ۹، ص ۱۲۳-۱۴۶.
- Anscombe G. Elizabeth. M., 1958, "Modern Moral Philosophy", *Philosophy*, V. 33, N. 124, p. 1-19.
- Baehr, Jason, 2011, *The Inquiring Mind: On Intellectual Virtues and Virtue Epistemology*, Oxford, Oxford University Press.
- ____, 2015a, *Cultivating Good Minds: A Philosophical and Practical Guide to Educating for Intellectual Virtue, Ist*, from <http://intellectualvirtues.org>.
- ____, 2015b, "The Four Dimensions of an Intellectual Virtue", in *Moral and Intellectual Virtues in Western and Chinese Philosophy*, p. 86-98.
- Code, Lorraine, 1987, *Epistemic Responsibility*, Hanover, University Press of New York England and Brown University Press.
- Gettier, Edmund, 1963, "Is Justified True Belief Knowledge", *Analysis*, V. 23, N. 6, p. 121-123.
- Goldman, Alvin & Olsson E. J., 2009, "Reliabilism and the value of Knowledge", in *Epistemic Value*, Oxford, Oxford University Press.
- ____, 1992, *Liaisons: Philosophy Meets the Cognitive and Social Sciences*, Cambridge, MIT Press.
- Greco, John, 2002, "Virtues in Epistemology", in Paul Moser (ed.), *Oxford Handbook of Epistemology*, New York, Oxford University Press.
- ____, 2004, "How to preserve your Virtue while losing your perspective", in *Ernest Sosa and his critics*, Malden, M.A., Blackwell.
- Hookway Ch, 2003, "How to be a Virtue Epistemologist", in Depaul and Zagzebski (eds), *Intellectual Virtue: Perspectives from Ethics and Epistemology*, p. 183-202.
- Montmarquet, James, 1993, *Epistemic Virtue and Doxastic Responsibility*, Lanham MD, Rowman and Littlefield Publishers.
- Sosa, Ernest, 1980, "The Raft and The Pyramid", *Midwest Studies in Philosophy*, V. 5, p. 3-26.
- ____, 1991, *Knowledge in Perspective: Selected Essays in Epistemology*, Cambridge, Cambridge University Press.
- ____, 2015, "Virtue Epistemology: Character vs. Competence", in M. Alfano (ed), *Current Controversies in Virtue Theory*, New York, Routledge Press.
- Zagzebski, Linda, 1996, *Virtues of the Mind*, Cambridge, Cambridge University Press.
- ____, 2008, *Epistemology*, Belmont CA, Wadsworth Press.

رشد و تعالی فردی و اجتماعی در سایه رسیدن به معرفت را داشت. لازمه کاربردی‌شده هرچه بیشتر فضایل معرفتی، تبیین واضح از این فضایل و تحلیل مشخصه‌ها و راه‌های ایجاد آن است.

۵. فضایل معرفتی می‌تواند به‌عنوان ویژگی‌های اکتسابی و مهارت‌های لازم برای یک دانش‌پژوه در مسیر آموزش و تحقیق، مورد توجه نهادهای متولی آموزش و تحقیق قرار گیرد؛ تا با بهره‌مندی دانش‌پژوهان از این فضایل، رشد علمی و معرفتی حاصل شود. در بعد گسترده‌تر، همان‌گونه که متعلق بودن آحاد مردم جامعه به فضایل اخلاقی، موجب رشد و تعالی و سعادت جامعه می‌گردد، مجهز شدن به فضایل معرفتی نتایج ارزشمندی در حیات معرفتی جامعه دارد.

۶. با توجه به جدید بودن معرفت‌شناسی فضیلت و قابلیت این رویکرد در تعمیق باورهای دینی، نیاز به بررسی تطبیقی بین نظریات مطرح غربی در این زمینه با نظریات اندیشمندان مسلمان، بخصوص در عناوین نزدیک مانند عوامل و موانع معرفت، وجود دارد؛ تا علاوه بر تبیین موضع صحیح در برابر این رویکرد، از قابلیت‌های آن در کسب معرفت بخصوص معرفت دینی استفاده شود.